

An introduction to the resolution of football disputes in the Iranian and international system

Morteza Shoai✉¹, Hajjat Arab Shaybani²

Abstract

Field and Aims: Football has been commercialized and turned into an industry over time. The importance and global impact of football has led to large investments in this sport, which may lead to disputes. This form of disputes is known as sports disputes, and in the current research, we seek to investigate what is the origin of football disputes. And what methods are foreseen in the Iranian system and the international system to solve it?

Method: The present research was carried out using a descriptive-analytical method.

Finding and Conclusion: Sports disputes are a type of disputes that refer to professional sports that are directly in the field of sports law and include the rules governing sports, the organization of clubs, establishing discipline in the territory of each sport in order to force Athletes and those involved must obey the decisions and observe the limits and limitations of sports activities and observe the foundation of ethical principles. Sports disputes in the field of football may be criminal or legal (due to civil liability or violation of contractual obligations). In Iran's legal system, there are two ways to resolve sports disputes, one of which is through judicial authorities and the other is through quasi-judicial authorities (self-regulation). Regarding football, according to the provisions of the legal pillar in the constitution of the football federation and also the judgment of the Supreme Court of the country, handling the lawsuit is within the jurisdiction of the judicial pillar of the federation. In the international arena, there are institutions to resolve sports disputes. These authorities include football confederations, FIFA Dispute Resolution Authority and the Court of Arbitration for Sport.

Keywords: sports disputes, football, settlement of disputes, Court of Arbitration for Sport, FIFA.

*Citation (APA): Shoai, M., Arab Shaybani, H. (2022). An introduction to the resolution of football disputes in the Iranian and international system. *International Legal Research*, 15(55), 363-381. https://alr.ctb.iau.ir/article_691372.html?lang=en

1. Assistant Professor, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran. (Author).

Email: mortezashoaei1360@gmail.com

2. Master's student in private law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Email: hojat.sheybani@yahoo.com

درآمدی بر حل و فصل اختلافات ورزش فوتبال در نظام ایران و بین الملل

مرتضی شعاعی^۱، حجت اعراب شیبانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: ورزش فوتبال در طول زمان بعد تجاری یافته و به یک صنعت تبدیل شده است. اهمیت و تأثیر جهانی فوتبال منجر به سرمایه گذاری های کلان در این ورزش شده که ممکن است منجر به بروز اختلافاتی گردد. این شکل از اختلافات به اختلافات ورزشی موسوم است که در پژوهش حاضر به دنبال بررسی این امر هستیم که منشأ اختلافات ورزش فوتبال چیست؟ و چه شیوه هایی در نظام ایران و نظام بین الملل برای حل و فصل آن پیش بینی شده است؟

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

یافته ها و نتایج: اختلافات ورزشی نوعی از اختلافات هستند که ناظر به ورزش حرفه ای است که به طور مستقیم در حوزه حقوق ورزش قرار دارد و شامل قواعد حاکم بر ورزش ها، سازمان باشگاه ها، برقراری انضباط در قلمرو هر رشته ورزشی از جهت ادار ساختن ورزشکاران و دست اندرکاران به اطاعت از تصمیمات و رعایت حدود و ثغور فعالیت های ورزشی و رعایت شالوده اصول اخلاقی است. اختلافات ورزشی در حوزه فوتبال ممکن است در بعد کیفری، یا حقوقی (ناشی از مسئولیت مدنی یا نقض تعهدات قراردادی) باشد.

در نظام حقوقی ایران برای حل و فصل اختلافات ورزشی دو شیوه پیش بینی شده است که یکی حل اختلاف از طریق مراجع قضایی و دیگری از طریق مراجع شبه قضایی (خود انتظام) صورت می گیرد. در خصوص فوتبال با توجه به پیش بینی رکن حقوقی در اساسنامه فدراسیون فوتبال و همچنین رأی دیوان عالی کشور، رسیدگی به دعوی در صلاحیت رکن قضایی فدراسیون قرار دارد. در عرصه بین المللی نیز نهادهایی به منظور حل و فصل اختلافات ورزشی وجود دارد. این مراجع شامل کنفدراسیون های فوتبال، مرجع حل اختلاف فیفا و دیوان داوری ورزش می باشد.

کلیدواژه ها: اختلافات ورزشی، فوتبال، حل و فصل اختلافات، دیوان داوری ورزش، فیفا.

* استناددهی (APA): شعاعی، مرتضی؛ اعراب شیبانی، حجت. (۱۴۰۱). درآمدی بر حل و فصل اختلافات ورزش فوتبال در نظام ایران و بین الملل. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۵)، ۳۶۳-۳۸۱.

https://alr.ctb.iau.ir/article_691372.html

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mortezashoei1360@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

رایانامه: hojat.sheybani@yahoo.com

مقدمه

با افزایش ابعاد مالی فعالیت‌های مختلف در صنعت ورزش نظیر دستمزدها و پرداخت‌هایی که به ورزشکاران و مربیان صورت می‌گیرد، سرمایه‌گذاری‌هایی که حامیان مالی باشگاه‌های ورزشی در جریان مسابقات انجام می‌دهند، مبالغی که با عنوان حق پخش مسابقات بین رسانه‌ها و مجریان برگزاری مسابقات رد و بدل می‌شود و همکاری‌های تجاری که در ارتباط با حق شهرت ستارگان ورزشی ترتیب داده می‌شود، گزافه نیست اگر ادعا کنیم که در حال شکل‌گیری شاخه جدید از اختلافات حقوقی هستیم (وکیل و اسکندری، ۱۳۹۴: ۳).

زورافزایی، اختلافات مالی میان بازیکنان، مربیان، سرپرستان، باشگاه‌ها، تبلیغات، محصولات و قراردادهایی با ارقام نجومی و... سبب توجه جامعه جهانی جهت مدیریت و سازمان‌دهی این بخش از فعالیت‌های انسان شده است. در داخل کشورها ایجاد فدراسیون‌ها، در محدوده قاره‌ها ایجاد کنفدراسیون‌ها و در سطح جهانی نیز ایجاد فدراسیون‌های جهانی و رقابت‌های مختلف در تمام ابعاد و سنین، خود نتیجه این مدیریت و سازمان‌دهی است. این محیط مانند دیگر جنبه‌های زندگی مصون از اختلاف و ناهنجاری نبوده و در تمام سازمان‌های ناظر بر این محیط، نهادهایی جهت نظارت و رسیدگی به تخلفات، اختلافات و ناهنجاری‌های اشخاص مربوطه پیش‌بینی شده است. این نظارت و رسیدگی به تخلفات، تابع مقررات جهانی هر رشته بوده و حاکمیت کشورها در این حوزه به شدت محدود و تحت تأثیر تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی مرتبط قرار گرفته است. در محیط ورزشی، اختلافات یا قراردادی است یا غیر قراردادی (کدخدایی، ۱۳۹۲: ۱۲).

در این میان ورزش فوتبال نسبت به سایر ورزش‌ها دارای طرفداران بیشتری بوده و حواشی و اختلافات مربوط به آن نیز بیشتر است. دستمزد بالای بازیکنان حرفه‌ای و معروفیت و محبوبیت آنها، موجب شده تا صنعت تبلیغات و همچنین خرید باشگاه یا دلالی نقل و انتقالات زمینه را برای اختلافات مالی ناشی از ورزش فوتبال ایجاد نمایند.

قوانین ورزشی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: گروهی که به قواعد بازی‌ها اختصاص دارد و گروهی که مراقبت‌ها و احتیاط‌های ویژه‌ای را به بازیکنان تحمیل می‌نماید و هدف از آن، تأمین ایمنی و پرهیز از خشونت در بازی‌های ورزشی است (قربان‌زاده، ۱۴۰۰: ۲).

بر این اساس شکل‌گیری یک نظام حل و فصل اختلاف برای اختلافات ورزشی ضروری است. در عالم ورزش گاه اتفاق افتاده که پرونده ورزشکاری مدت زمان بسیار طولانی حل نشده باقی مانده تا جایی که حتی دوره بازی او به پایان رسیده، ولی هنوز رأی پرونده صادر نشده است. برای مثال، پرونده شکایت آدریان موتو علیه چلسی، ۱۰ سال پس از تشکیل، خاتمه یافت (ساندو^۱، ۲۰۱۵: ۴).

1. Sandu



از اوایل دهه هشتاد میلادی، توسعه ورزش در عرصه بین‌المللی شتاب فزاینده‌ای پیدا کرد. گسترش ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و سازمان‌های مربوطه سبب شد که تعداد و کیفیت دعاوی و اختلافات ورزشی تغییر کند (وانگ^۱، ۲۰۱۰: ۱۱). این شتاب فزاینده، ضرورت انجام اقداماتی برای همگام شدن با روند حاضر را به اثبات رساند. امروزه با رشد و توسعه ورزش حرفه‌ای، بسیاری از مردم زندگی‌شان را از طریق ورزش می‌گذرانند و با آگاهی جامعه از حقوق فردی، افرادی که درگیر ورزش هستند نیز منافع خود را از طریق دانش حقوق حفظ می‌کنند (تورنتون^۲، ۲۰۱۱: ۶). بر این مبنا در پژوهش حاضر به دنبال بررسی این امر هستیم که منشأ اختلاف ورزشی چیست؟ و چه شیوه‌هایی در نظام ایران و نظام بین‌الملل برای حل و فصل آن پیش بینی شده است؟

۱. ماهیت اختلافات ورزشی

در یک تعریف که توسط دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه ماوروماتیس ارائه شده است، اختلاف عبارت است از «عدم توافق در خصوص یک مسأله موضوعی یا حکمی یا تعارض دیدگاه‌های حقوقی یا منافع حقوقی» در قضیه ماوروماتیس دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری اعلام نمود که اختلاف عدم توافق نسبت به یک موضوع حقوقی یا واقعیت است و همچنین اختلاف نظر حقوقی و یا تعارض منافع میان طرفین آن است^۳.

به عبارت دیگر باید اثبات شود که ادعای یکی از طرفین در تضاد با ادعای طرف دیگر است. یعنی صرف ادعای یکی از طرفین مبنی بر اینکه با طرف دیگر اختلاف دارد کافی نیست که مدلل سازد، واقعاً میان آنها اختلافی وجود دارد و همین‌طور صرف انکار وجود اختلاف بیانگر عدم وجود اختلاف میان طرفین نیست و همچنین اثبات اینکه میان منافع طرفین اختلاف وجود دارد کافی نیست، بلکه باید اثبات شود که ادعای یک طرف کاملاً مورد مخالفت طرف دیگر است (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۹۶: ۴۱).

اختلافات ورزشی نوعی از اختلافات هستند که ناظر به ورزشی است که در قالب حرفه‌ای انجام می‌شود. اختلافات ورزشی عمدتاً در حوزه محرومیت‌های ورزشکاران و تصمیم‌های انضباطی سازمان‌های ورزشی است که به‌طور مستقیم در حوزه حقوق ورزش قرار دارد و شامل قواعد حاکم بر ورزش‌ها، سازمان باشگاه‌ها، برقراری انضباط در قلمرو هر رشته ورزشی از جهت

1. Wong

2. Thornton

3. Mavrommatis Palestine Concessions, Judgment No. 2, 1924, P.C.I.J. Series A, No. 2, p. 11.

و ادار ساختن ورزشکاران و دست‌اندرکاران به اطاعت از تصمیمات و رعایت حدود و ثغور فعالیت‌های ورزشی و رعایت شالوده اصول اخلاقی است (ریلی^۱، ۲۰۱۲: ۷۰).

۱-۱. اختلافات ورزشی در بعد کیفری

امروزه اختلافات ورزشی مفهوم گسترده‌تری یافته‌اند و اختلافات مالی میان اشخاص حقیقی یا حقوقی که وجه اقتصادی و تجاری نیز دارند در زمره اختلافات ورزشی دسته‌بندی می‌شوند و دلیل آن نیز منشأ ورزشی این اختلافات است. همچنین شرکت‌های بزرگ سهامی با میلیون‌ها دلار سرمایه که امر اداره باشگاه را برعهده گرفته‌اند و به کار خرید و فروش بازیکن می‌پردازند و در زمینه تبلیغات و آگهی‌های بازرگانی ورزشی کار می‌کنند نیز اختلافات خود را می‌توانند اختلافات ورزشی نام نهند. اگرچه اصول این مبادلات و دادوستدها ذاتاً تجاری و اقتصادی هستند. اختلافات ورزشی می‌تواند از جنبه مسئولیت کیفری و یا از جنبه حقوقی باشد. در خصوص نوع اول، یعنی اختلافات ورزشی از جنبه مسئولیت کیفری باید گفت که جرایم عمومی مانند قتل، ضرب و شتم، توهین، فحاشی و مانند اینها می‌تواند در هر مکانی از جمله میادین ورزشی و میان ورزشکاران با یکدیگر، ورزشکاران و مدیران باشگاه، ورزشکاران و تماشاگران و حتی کادر داوری و حتی اصحاب رسانه اتفاق بیافتد، اما به صرف اینکه این اعمال در یک محیط ورزشی صورت گرفته است نمی‌تواند ماهیت این جرایم را از حالت عمومی خارج کرده و آنها را به یک جرم ورزشی تبدیل کند. در قانون ایران با مراجعه به قانون مجازات اسلامی تنها در بند «ث» ماده (۱۵۸) به این امر استناد نموده است که «عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد» قابل مجازات نیست. در خصوص قوانین سایر کشورها نیز باید به قانون ملی آنها در خصوص جرم‌انگاری اعمالی که در میادین ورزشی اتفاق می‌افتد مراجعه نمود؛ اما در این زمینه قاعده‌ای در عرصه بین‌المللی وجود ندارد که از بعد کیفری به اتفاقات ورزشی بنگرد و در صورت ارتکاب جرم در میادین ورزشی، باید امکان پیگرد قضایی را در قوانین محل وقوع جرم جستجو نمود، لذا با توجه به اینکه این امر از بحث ما خارج است، از ورود بیشتر به آن خودداری می‌کنیم.

۱-۲. اختلافات ورزشی ناشی از مسئولیت مدنی

شکل دیگری از اختلافات ورزشی ممکن است در قالب مسئولیت مدنی واقع شود. این نوع مسئولیت در واقع ناشی از زیان‌ها و خساراتی است که به اشخاص وارد می‌شود و در نظام حقوقی ایران قوانین متعددی بر این شکل از مسئولیت حاکم است. هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده می‌باشد، در حالی که مجازات در واقع واکنش یا دفاعی است که جامعه از خود

1. Reilly



در برابر مجرمان نشان می‌دهد. البته لازم به ذکر است که از حیث منبع مسئولیت، مسئولیت کیفری تنها در صورتی پیدا می‌شود که قانون مقرر داشته است، اما مسئولیت مدنی قلمرو و حوزه گسترده‌تری دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۶).

در مورد اختلافات ورزشی از جنبه مسئولیت مدنی باید گفت که به‌طور کلی تقصیر یا خطای ورزشی با نقض مقررات ورزشی و تجاوز از معیارهای یک ورزشکار متعارف محقق می‌شود و در باب ورزش‌ها، تقصیر، پایه اکثر دعاوی برای جبران خسارت است و خواهان معمولاً یا یکی از شرکت‌کنندگان یا یکی از تماشاگران است (جونپور، ۱۳۷۶: ۱۷).

البته اختلافات ورزشی در بعد حقوقی صرفاً معطوف به مسئولیت مدنی نیست و ممکن است این اختلاف ناشی از نقض یا چند مورد از تعهدات قراردادی باشد. این شکل از اختلاف بیشتر میان بازیکنان یا مربیان با باشگاه ورزشی شکل می‌گیرد و نگاهی به رسیدگی‌های مراکز حل اختلافات ورزشی نشان می‌دهد که بیشتر اختلافات ورزشی در شکل نقض تعهدات قراردادی شکل گرفته است.

۱-۳. اختلافات ورزشی با منشأ قراردادی

قراردادهای خصوصی مطابق قانون ایران در دسته اعمال حقوقی و عقود قرار دارند. بر این اساس ماده (۱۸۳) قانون مدنی در تعریف عقد مقرر می‌دارد که «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در برابر یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشند» در قرارداد اراده کسانی که آن را واقع ساخته‌اند، مهم‌ترین عامل ایجاد حق است که به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها معروف است و بیان می‌دارد که اشخاص می‌توانند قراردادها را به هر صورتی که مایل باشند تنظیم کنند و نتایج و آثار آن را آزادانه معین کنند (کاتوزیان، منبع پیشین: ۲۸۲).

مبنای مسئولیت قراردادی، گاه تقصیر متعهد و گاه عدم حصول نتیجه معین است. در مواردی که تعهد متعهد به وسیله است، مسئولیت قراردادی بر مبنای تقصیر متعهد ایجاد می‌شود و متعهد له باید ثابت کند که او در تأخیر یا عدم اجرای قرارداد مقصر بوده است. ولی در قراردادهایی که متعهد حصول نتیجه معینی را پذیرفته است، عدم حصول آن نتیجه برای او مسئولیت ایجاد می‌کند اگرچه تقصیری مرتکب نشده باشد. در قانون ایران تعهد ورزشکاران، تعهد به وسیله بوده و مسئولیت آنان بر این اساس مبتنی بر تقصیر است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱).

یک قرارداد با موضوع ورزشی معمولاً در اشکال مختلفی منعقد می‌شود. یک شکل از این قرارداد شامل قراردادهایی است که میان مربیان و بازیکنان با باشگاه ورزشی و یا ممکن است میان داوران و فدراسیون برای قضاوت یک مسابقه ورزشی تنظیم گردد. شکل دیگر قرارداد بازمی‌گردد به قراردادهایی که یک باشگاه یا فدراسیون برای انجام فعالیت‌های خود منعقد می‌کند. این قرارداد شامل خرید یا اجاره زمین و ساختمان باشگاه، استخدام خدمه و کادر اداری و همچنین

تجهیز باشگاه برای انجام فعالیت‌های ورزشی می‌باشد. اگرچه در قراردادهای نوع دوم هم یک طرف قرارداد باشگاه ورزشی می‌باشد، اما این دسته از قراردادها را نمی‌توان در دسته قراردادهای ورزشی طبقه‌بندی نمود. لذا از بحث ما خارج هستند. اما نوع اول قرارداد به دلیل اینکه ماهیت ورزشی دارند در دسته قراردادهایی هستند که به قرارداد ورزشی موسوم‌اند و چنانچه مورد نقض قرار گیرند.

۲. رسیدگی به اختلافات ورزش فوتبال در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران برای حل و فصل اختلافات ورزشی دو شیوه پیش‌بینی شده است که یکی حل اختلاف از طریق مراجع قضایی و دیگری از طریق مراجع شبه قضایی (خود انتظام) صورت می‌گیرد.

۲-۱. حل اختلافات ورزشی از طریق قضایی

مراجع قضایی از گذشته تا به امروز رایج‌ترین شیوه حل و فصل اختلافات فارغ از نوع آن بوده‌اند. اختلافات ورزشی نیز از این امر مستثنی نبوده و امکان طرح آن در دادگاه وجود دارد. ساختار قضایی ایران با پیش‌بینی دادگاه‌های عمومی، صلاحیت رسیدگی به این شکل از اختلافات را داده است.

دادگاه‌های عمومی حقوقی بر اساس ماده (۱) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تشکیل گردید. این مراجع قضایی مطابق ماده (۱۰) قانون آیین دادرسی مدنی «رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است، مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.» البته قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در ماده (۴) اجازه ایجاد شعب تخصصی را داده است، اما در این ماده در مورد دعاوی حقوقی تنها شاهد صدور مجوز برای ایجاد شعب تخصصی به منظور رسیدگی به امور خانوادگی هستیم و به شعب تخصصی ورزشی در این ماده اشاره نشده است. دیوان عالی کشور^۱ در پرونده‌ای (۱۳۹۸) این موضوع را مورد بررسی قرار داد که آیا رأی صادره از شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران مبنی بر عدم صلاحیت رسیدگی به اختلاف مربوط به قراردادهای فوتبال صحیح صادر شده است یا خیر؟

در این رأی دیوان با نقض رأی شعبه (۲۱۴) مقرر می‌دارد که «با عنایت به اینکه قرارداد استنادی در قالب قرارداد مدنی تنظیم شده و ارتباطی به تخلفات ورزشی ندارد تا در کمیته انضباطی بررسی شود و ایفای تعهد دعاوی ترافعی بوده، مستنداً به اصل ۱۵۹ قانون اساسی قابل رسیدگی در مراجع قضایی است و در اصل اساسنامه نمی‌تواند ملاک صلاحیت مرجع شبه قضایی

۱. شعبه پنجم دیوان عالی کشور

قرار گیرد، لذا قرار عدم صلاحیت صادره قابل تأیید نبوده پرونده برای ادامه رسیدگی به شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی تهران اعاده می‌شود.»

همچنین نکته حائز اهمیت دیگر طولانی بودن فرآیند دادرسی در دادگاه و همچنین علنی بودن آن است. فرآیند طولانی حل اختلاف در دادگاه و اینکه عمر مفید فعالیت حرفه‌ای یک ورزشکار به طور متوسط حدود ۱۰ تا ۱۵ است نشان از این امر دارد که بازیکنان و باشگاه‌ها به دنبال روشی سریع‌تر در حل اختلاف هستند. همچنین به جز مواردی که دادگاه تشخیص می‌دهد و لذا طرفین دعوی ورزشی که تمایلی به نشر جزئیات اختلاف خود در رسانه‌ها ندارند معمولاً روش دادگاه را انتخاب نمی‌نمایند.

با توجه به موضوع اختلاف، چنانچه عمل انجام گرفته واجد جنبه کیفری باشد؛ یعنی آن عمل توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده باشد، دادگاه‌های عمومی کیفری صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را دارند. بر این اساس و در معیت هر دادگاه عمومی کیفری در هر حوزه قضایی مطابق ماده (۳) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۶ یک دادرسی عمومی ایجاد گردیده که وظیفه دریافت شکایت، شروع تعقیب و تحقیقات مقدماتی را بر عهده دارد. همچنین مطابق ماده (۸) قانون مذکور «قضات دادگاه‌ها و دادرسی‌های عمومی و انقلاب مکلف‌اند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یک صد و شصت و هفتم قانون اساسی رسیدگی کنند و تصمیم قضایی را اتخاذ نمایند». بر این اساس و با نگاهی به ماده (۴) قانون فوق‌الذکر مشاهده می‌گردد که اگرچه مجوز ایجاد شعب تخصصی کیفری در هر حوزه قضایی داده شده است، اما این شعب فعلاً در مورد رسیدگی به جرائم اطفال ایجاد شده است و بنابراین دعاوی ورزشی اگر جنبه کیفری داشته باشند باید در مراجع عمومی کیفری طرح و مورد رسیدگی قرار گیرند.

اساسی‌ترین عامل برای عدم مجازات شخصی که حین فعالیت‌های ورزشی به دیگری آسیبی وارد کرده است، رعایت قانون از جانب اوست. در واقع، قانون‌گذار با تصویب قوانینی درباره جرم نبودن اعمال ورزشی، به ورزشکاران مصونیت قضایی اعطا می‌کند (حسینی و اسحاقی، ۱۳۹۴: ۶۳).

۲-۲. حل اختلافات ورزشی از طریق مراجع شبه قضایی

اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال در مجمع این فدراسیون در مورخ هشتم آذر ۱۳۹۹ و با رأی ۷۰ نفر از اعضای مجمع به تصویب رسیده است. اساسنامه جدید شاهد تحولاتی از جمله در نظام قضایی و حل و فصل اختلافات و شکایات این فدراسیون نیز هست. بر اساس اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال ماهیتی غیرانتفاعی و غیردولتی دارد که دارای تشکیلاتی خود انتظام است.

آنچه پایه و اعتبار اعمال این نحوه اجراست، صلاحیت و اعتبار فدراسیون بین‌المللی فوتبال به‌عنوان نهاد بین‌المللی متولی فوتبال است، بدون اینکه هیچ قاعده حقوقی بین‌المللی به‌صورت

مشخص از این عملکرد حمایت نماید. در واقع دولت‌ها ناچارند که برای حفظ وجهه خود از این صلاحیت حمایت کنند بدون اینکه تعهدی بین‌المللی را به صورت مشخص در این رابطه پذیرفته باشند. بر اساس بند ۲ ماده ۶۳ اساسنامه ای. اف. سی، رجوع به دادگاه‌های داخلی ممنوع است، مگر در مواردی که به صراحت در مقررات فیفا یا ای اف سی قید شده باشد. ماده (۵) مقررات انضباطی فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶، مقرر می‌دارد که «بر اساس ماده ۶۱ اساسنامه رکن قضایی فدراسیون فوتبال عبارت است از کمیته انضباطی، کمیته اخلاق و کمیته استیناف» به تأسی از سه کمیته‌ای^۱ است که بر اساس مقررات فدراسیون بین‌المللی فوتبال، به عنوان ارکان قضایی پذیرفته شده است.

در خصوص مرجع صالح در رسیدگی به اختلافات و دعاوی مالی مربوط به فوتبال به یک رأی صادره از دیوان عالی کشور اشاره می‌نماییم که در خلاصه رأی آمده است «در تاریخ ۸۹/۷/۵ آقایان «ب. ک» و «م. ع» و کلای دادگستری به وکالت از شرکت ب دادخواستی به طرفیت الف و هیأت فوتبال خ به خواسته الزام خواندگان به پرداخت خسارت وارده به باشگاه الف مبنی بر تفاوت ارزش معاملاتی تیم فوتبال حاضر در دسته دوم لیگ کشور و دسته سوم لیگ کشور، با جلب نظر کارشناس به انضمام خسارات دادرسی به دادگاه عمومی بیرجند تسلیم و توضیح داده‌اند، شرکت موکل در تاریخ ۸۷/۳/۲۶ طی مباحثه نامه عادی، اقدام به خرید امتیاز و سهمیه حضور تیم فوتبال در لیگ دسته دوم کشور از خواننده ردیف دوم (هیأت فوتبال خ) با نمایندگی آقای «ع. ب» نموده و در تاریخ ۸۷/۱۲/۵ نیز سند رسمی صلح حقوقی فی مابین تنظیم شده است. متعاقباً تیم باشگاه «الف» با هزینه شرکت باشگاه الف، در مسابقات لیگ دسته دوم فوتبال کشور در فصل ۸۷-۸۸ شرکت کرده و در پایان فصل نیز با موفقیت امتیازات لازم برای بقا در دسته دوم را کسب نموده و پس از پایان فصل و قبل از شروع فصل ۸۸-۸۹ لیگ دسته دوم کشور، خواننده ردیف اول و دوم بدون مجوز قانونی و بدون تحصیل اذن و رضایت مدیران شرکت، اقدام به تصاحب سمت مدیریت تیم الف. نموده و ضمن عقد قرارداد با مربی و بازیکنان به انتخاب خود، در مسابقات لیگ دسته دوم کشور شرکت کرده و از دخالت مدیران قانونی باشگاه در امور تیم ممانعت نموده‌اند و مکاتبات مکرر برای تعیین تکلیف بی‌نتیجه بوده است. مکاتباتی با فدراسیون کشور صورت گرفت و فدراسیون به علت حقوقی بودن اختلاف، از اعلام نظر و حل اختلاف خودداری کردند. تیم الف. تحت مدیریت سازمان تربیت بدنی و هیأت فوتبال، با کسب نتایج ضعیف، سهمیه حضور در لیگ دسته دوم را از دست داد و به لیگ دسته سوم سقوط کرده. از آنجا که سرمایه گذاری و هزینه باشگاه قریب به ۳۵۰ میلیون تومان بوده و علت این حجم هزینه کرد شرکت نیز ارزش معاملاتی سهمیه تیم حاضر در لیگ دسته دوم کشوری بوده، لذا تنزل ارزش این سهمیه به تیم دسته سوم،

1. Disciplinary Committee, The Ethics Committee, The Appeal Committee



باعث ورود خسارات فراوانی به شرکت باشگاه الف. گردیده که در نامه‌های الف، به ورود این خسارت و استحقاق باشگاه به دریافت خسارت وارده اشاره شده و خواستار ارائه فاکتور هزینه کرد باشگاه در فصل ۸۷-۸۹ برای پرداخت آن، به موکل شده‌اند. لکن نظر به اینکه مدیریت تیم در فصل ۸۸-۸۹ به صورت غیر مأذون و غاصبانه بوده و تنزیل ارزش معاملاتی تیم به دسته سوم لیگ کشوری، اخص از خسارات ناشی از هزینه‌های این باشگاه در فصل ۸۸-۸۹ و مازاد بر آن می‌باشد، لذا تقاضای صدور حکم به شرح خواسته دارد. تصویر مستندات پیوست و پرونده در شعبه ۴ دادگاه مرقوم در جریان رسیدگی قرار گرفته است. خواهان در جلسه اول دادرسی، خواسته خود را به الزام خوانده به پرداخت خسارات وارده به باشگاه الف بر مبنای ارزش معاملاتی تیم فوتبال حاضر در دسته دوم لیگ کشور، با جلب نظر کارشناس، به انضمام خسارات تغییر داده است. دادگاه نظر به اینکه در ماده ۵ قرار داد فی مابین پیش‌بینی شده است که در صورت بروز اختلاف بین طرفین، موضوع به داوری ارجاع خواهد شد، لذا طرح دعوی مبنای قانونی نداشته و قرار عدم استماع دعوی صادر می‌نماید. خواهان به رأی دادگاه اعتراض و درخواست تجدید نظر نموده است و شعبه ۳ دادگاه تجدید نظر استان خراسان جنوبی، به لحاظ اینکه طرفین توافق کرده‌اند که در صورت بروز اختلاف در تفسیر قرارداد، موضوع به داوری ارجاع گردد و در پرونده حاضر اختلافی بر سر تفسیر و اجرای قرارداد وجود ندارد، بلکه خسارات ناشی از سقوط باشگاه مزبور به لیگ دسته سوم فوتبال کشور مورد مطالبه قرار گرفته است، لذا قرار تجدید نظر خواسته را فسخ و پرونده را به منظور رسیدگی به ماهیت دعوی به دادگاه بدوی اعاده می‌نماید.

دادگاه پس از وصول پرونده، اقداماتی در جهت رسیدگی به دعوی معمول و با استماع توضیحات و مدافعات طرفین، الف. را محکوم به پرداخت اقلامی در حق خواهان محکوم و در مورد خوانده ردیف دوم، به لحاظ عدم توجه دعوی به وی، قرار عدم استماع دعوی صادر می‌نماید. وکلای اداره کل تربیت بدنی استان خراسان جنوبی، به رأی دادگاه اعتراض و درخواست تجدید نظر کرده‌اند و شعبه سوم دادگاه تجدید نظر، با توجه به اینکه خواسته خواهان مطالبه خسارت کاهش ارزش تیم فوتبال الف که در لیگ فوتبال و در دسته ۲ بازی می‌کرده و در اثر اقدامات اداره تربیت بدنی و انتقال تیم بدون مجوز به دیگران و سقوط تیم به دسته سوم بوده و مطابق ماده ۶۴ اساسنامه فدراسیون فوتبال که تجدید نظر خواه نیز آن را پذیرفته و بند سوم این ماده، فدراسیون، اعضای حقوقی آن، بازیکنان، مربیان و آژانس‌ها نباید منازعات خود را در امور ورزشی به مراجع قضایی ارجاع دهند ... و نیز فدراسیون موظف به قضاوت در مورد منازعات داخلی و ملی بین اعضای وابسته به فدراسیون می‌باشد ...؛ بنابراین، چون دعوی به طرفیت هیأت فوتبال استان و اداره تربیت بدنی اقامه شده و رسیدگی به این منازعه بر اساس مقررات فدراسیون استثنای نگردیده است، لذا ضمن فسخ دادنامه تجدید نظر خواسته، به اعتبار صلاحیت رکن قضایی فدراسیون فوتبال



قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال داشته است که در این شعبه در جریان رسیدگی قرار گرفته است.

بر این اساس رأی صادره از دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد «با عنایت به محتویات پرونده، خواسته خواهان، شرح دعوی و اظهارات طرفین، موضوع در شمار اختلاف در امور ورزشی محسوب می‌شود و به صراحت ماده ۶۴ اساسنامه فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و تبصره ۳ آن ماده که در تاریخ ۸۶/۵/۲۲ به تصویب هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران رسیده است، رسیدگی به دعوی در صلاحیت رکن قضایی فدراسیون قرار دارد و با تشخیص صلاحیت رکن مذکور، مقرر می‌دارد پرونده به مرجع صالح ارسال گردد.» (سامانه آراء قضایی).

با این حال این رویه ممکن است در سایر فدراسیون‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه فوتبال آسیا یا اتحادیه فوتبال اروپا و یا فدراسیون‌های فوتبال کشورهای مختلف پذیرفته شده نباشد. علاوه بر این در سطح فدراسیون بین‌المللی فوتبال، کمیته تعیین وضعیت بازیکنان هر چند به عنوان رکن قضایی پذیرفته شده نیست، اما صلاحیتی شبه قضایی با ضمانت اجراهای مشخص در خصوص موضوعات مرتبط با تعیین وضعیت بازیکنان دارد. این موضوع در ماده ۴۹ اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال ایران نیز تبیین شده است و بر اساس آن کلیه اختلافات مالی، استخدامی و قراردادی و اختلافات مرتبط با حق آموزش و مکانیسم مشارکت بین اعضاء در کمیته تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال حل و فصل می‌شود.^۱

۳. مراجع بین‌المللی حل و فصل اختلافات ورزشی

گسترده‌گی و در عین حال تخصصی بودن اختلافات ورزشی منجر به آن گردید تا در عرصه بین‌المللی نهادهایی به منظور حل و فصل اختلافات ورزشی به وجود آمد. این نهادها و مراجع حل اختلاف، به مرور گسترده شده و کثرت یافتند. برخی از این نهادها به طور عام و برخی دیگر به طور خاص (ورزش خاص) به حل و فصل اختلاف می‌پردازند که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. کنفدراسیون‌های فوتبال

فیفا دارای ۶ کنفدراسیون می‌باشد که مدیریت فوتبال در دنیا را بر عهده دارد. این کنفدراسیون‌ها عبارتند از کنفدراسیون فوتبال آسیا دارای ۴۷ عضو (در امور آسیا و استرالیا)، کنفدراسیون فوتبال آفریقا که دارای ۵۴ عضو، کنفدراسیون فوتبال آمریکای شمالی و مرکزی که دارای ۴۱ عضو، کنفدراسیون فوتبال آمریکای جنوبی که دارای ۱۰ عضو، کنفدراسیون فوتبال اقیانوسیه که دارای

1. <https://www.farsnews.ir>

۱۱ عضو و کنفدراسیون فوتبال اروپا دارای ۵۳ عضو می‌باشد. در این میان کنفدراسیون فوتبال آسیا به دلیل اینکه ایران نیز عضو آن است مورد مطالعه این پژوهش می‌باشد.^۱

کنفدراسیون فوتبال آسیا یکی از شش کنفدراسیون فوتبال است که توسط فیفا ایجاد شد. کنفدراسیون فوتبال آسیا در سال ۱۹۵۴ در مانیل در حاشیه دومین بازی‌های آسیایی تشکیل شد. این کنفدراسیون دارای ۴۷ کشور عضو است که مرکز آن در کوالالامپور در کشور مالزی قرار دارد، کنفدراسیون فوتبال زنان آسیا بخشی از کنفدراسیون فوتبال آسیا می‌باشد که فوتبال زنان منطقه آسیا را مدیریت می‌کند. این گروه مستقلاً در آوریل ۱۹۶۸ در جلسه‌ای با حضور کشورهای چون تایوان، هنگ‌کنگ، مالزی و سنگاپور تأسیس شد. در سال ۱۹۶۸ کنفدراسیون فوتبال زنان آسیا با کنفدراسیون فوتبال آسیا ادغام شد.^۲

همچنین بر اساس اساسنامه فیفا، کمیته‌های انضباطی، استیناف و اخلاق، نهادهای قضایی فیفا هستند. این سه نهاد قضایی باید به گونه‌ای تشکیل شوند که اعضا از دانش، توانایی و تجربه تخصصی لازم برای انجام وظایف خود برخوردار باشند. رئیس، نایب رئیس و اعضای این کمیته‌ها باید معیارهای استقلال را که در مقررات حاکمیت فیفا تعریف شده است، رعایت کنند. آنها توسط کنگره فیفا برای دوره‌های چهارساله و حداکثر برای سه دوره انتخاب می‌شوند (اساسنامه فیفا).^۳

یکی از مهم‌ترین نقش‌های یک نهاد منطقه‌ای در فوتبال تلاش برای میانجی‌گری و حل اختلاف در این خصوص است. تشویق طرفین اختلاف خصوصاً اختلافاتی که میان باشگاه‌های عضو صورت گرفته است می‌تواند از طریق میانجی‌گری حل نمود.

۲-۳. مرجع حل اختلاف فیفا^۴

با توجه به اهمیت، گستردگی و جهان‌شمولی برخی ورزش‌ها مانند فوتبال نهادهایی به منظور حل و فصل اختلافات در فدراسیون بین‌المللی فوتبال موسوم به فیفا به نام کمیته وضعیت و اتاق حل اختلاف فیفا ایجاد شد که دارای یک آیین دادرسی برای رسیدگی به دعاوی می‌باشد. فیفا از طریق کنگره خود، شورای فیفا یا دبیرکل، انواع مختلفی از اسناد قانونی را از تصویب می‌گذراند که تأثیر آن بر فعالیت‌های روزانه فوتبال در سراسر جهان است. این مجموعه از قوانین شامل آیین‌نامه حاکم بر فیفا، آیین‌نامه فیفا در مورد وضعیت و انتقال بازیکنان، قانون اخلاق فیفا و آیین‌نامه انضباطی فیفا می‌باشد.^۵

1. <https://www.fifa.com>
2. <https://www.the-afc.com/afc-home/about-afc/overview>
3. FIFA Statutes
4. Dispute Resolution Chamber(DRC)
5. <https://www.fifa.com/legal/rules-and-regulations>

مطابق اساسنامه فیفا، رسیدگی به اختلافات مریبان و باشگاه‌ها یا فدراسیون‌ها و همچنین اختلافات باشگاه‌ها با یکدیگر در بعد بین‌المللی در صلاحیت کمیته وضعیت و اتاق حل اختلاف فیفا می‌باشد (بند ۲ ماده ۴۶). همچنین مطابق آیین دادرسی کمیته وضعیت و اتاق حل اختلاف فیفا مصوب ۲۰۱۹ «همه باشگاه‌های فدراسیون‌های عضو فیفا، کلوب‌ها رسمی ورزشی، بازیکنان، مریبان یا عوامل مسابقه مجاز به طرح دعوی به منظور حل اختلاف در این کمیته هستند.» همچنین مطابق بند ۲، هر یک از آنها می‌توانند نماینده حقوقی یا وکیل برای رسیدگی معرفی نمایند (بند ۱، ماده ۶).

برخی از دعوی باشگاه‌ها و ورزشکاران ایران نیز در اتاق حل اختلاف فیفا مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به پرونده شکایت از رضا شکاری توسط باشگاه‌های ذوب آهن ایران و روبین کازان روسیه اشاره نمود که فیفا باشگاه روبین کازان را به پرداخت حدود ۱۰۵ هزار یورو به دلیل غرامت آموزشی (حق رشد) به باشگاه ذوب آهن محکوم کرده بود (خبرگزاری مهر، کد ۵۲۴۷۳۳۷).

۳-۳. دیوان داوری ورزش^۱

دادگاه داوری ورزش به مثابه دیوان عالی ورزش در سطح بین‌المللی است. به نظر می‌رسد هیچ نهاد دیگری به عنوان جایگزین دادگاه داوری ورزش وجود ندارد که با سرعت و هزینه اندک بتواند اختلافات بین‌المللی ورزشی را مورد حل و فصل قرار دهد. در واقع، هدف از تأسیس این دادگاه، بیرون آوردن اختلافات ورزشی بین‌المللی از دست دادگاه‌های داخلی و ایجاد عرصه‌ای تخصصی برای رسیدگی سریع، ارزان و انعطاف‌پذیر این قبیل اختلافات است (وکیل و اسکندری، ۱۳۹۴: ۵). یکی از اهداف تشکیل دیوان داوری ورزش فراهم نمودن ابزاری برای اعضای خانواده بین‌المللی ورزش به منظور حل اختلافات است که نه تنها سریع بوده، بلکه کم‌هزینه نیز باشد (هیلی^۲، ۲۰۰۵: ۲۱).

در حال حاضر، همه فدراسیون‌های بین‌المللی المپیک و تعداد زیادی از فدراسیون‌های غیرالمپیک، دادگاه داوری ورزش را مقصد پایانی اختلافات بین‌المللی در زمینه ورزش می‌دانند. دادگاه داوری ورزش می‌تواند به اختلافاتی رسیدگی کند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با ورزش در ارتباط هستند. دیوان داوری به سه مهم بخش تقسیم می‌شود.

الف) ورزش: بخش حکمیت معمولی که اختلافات را به روش معمولی حل و فصل می‌کند. موضوع رویه معمولی می‌تواند هر مسئله تجاری یا کاری باشد که ممکن بوده به سایر دادگاه‌ها ارجاع شود، ولی به دلیل ارتباط آن با ورزش، نزد دیوان، آورده شده است.

1. Court of Arbitration for Sport (CAS)

2. Healy

ب) بخش استیناف که مسئول حل اختلافات مربوط به تصمیمات کمیته‌های انضباطی یا بخش‌های مشابه در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی است. موضوع رویه استیناف اغلب به چالش کشیدن تصمیم‌های اتخاذ شده توسط فدراسیون‌های ورزشی است، مشروط به اینکه مقررات رویه‌ای فدراسیون، صلاحیت دیوان، برای استماع پرونده را مورد تأیید قرار داده باشد. این رویه معمولاً به موضوعات انضباطی و پرونده‌های دوپینگ اختصاص دارد.

ج) در حین برگزاری مسابقات المپیک و سایر رخدادهای مهم ورزشی، دادگاه داوری ورزش شعبه‌های موقت داوری در محل مسابقات ایجاد می‌کند؛ بدین صورت که هیاتی از قضات موظف هستند که به درخواست‌های تجدید نظر از آرای صادره رسیدگی کنند و تصمیماتی را در مدت ۲۴ ساعت اتخاذ نمایند (ژاو، لینچ و چن^۱، ۲۰۱۰: ۷).

در واقع در این رویه به مسئله تجدیدنظرخواهی از آرای نهادهای ورزشی از جمله مسائل نقل و انتقالات و غرامت و اختلافات مرتبط با مسائل انضباطی در فوتبال و همچنین مقررات ضد دوپینگ پرداخته می‌شود. حدود ۹۰ درصد پرونده‌های مطروحه در این دادگاه، تحت همین رویه مطرح شده‌اند. جلسه استیناف توسط یک داور و یا هیات سه نفره داوری که از فهرست ۲۶۴ نفره داوران دادگاه داوری ورزش انتخاب شده‌اند، اداره خواهد شد (ریلی^۲، ۲۰۱۲: ۳۲). بخش عمده‌ای از پرونده‌های مورد بررسی توسط دیوان داوری ورزشی، سه حیطه اصلی هستند که عبارتند از: دوپینگ، اختلافات مربوط به قرارداد، موارد مربوط به ترنسفر. اختلافات ورزشی را می‌توان با راه‌های ساده‌ای مانند مذاکره مستقیم یا ملاقات در حضور یک طرف ثالث (حکمیت یا میانجی‌گری) حل کرد. با این حال، ساختار ویژه هر اختلاف است که روش مناسب برای حل و فصل آن را تعیین می‌کند (چرجی^۳، ۲۰۱۳: ۹). بر این اساس نگاهی به دو شیوه کلی و رایج دیوان داوری در رسیدگی به اختلافات ورزشی خواهیم داشت.

۳-۳-۱. حل اختلافات در دیوان از طریق میانجیگری

میانجی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل اختلافات است که اختلافات را در خارج از دادگاه دولتی به صورت خصوصی و محرمانه و همچنین، سریع و ارزان تر نسبت به دادگاه‌های دولتی حل و فصل می‌کند. به عبارت دیگر میانجی‌گری یعنی رویه‌ای که طرفین از طریق آن و با کمک شخص ثالثی به نام میانجی در پی یافتن راه‌حل دوستانه‌ای برای اختلافات خود هستند، این رویه اساساً به خاطر ماهیت غیررسمی‌اش و نیز، کنترل طرفین بر اقدامات و عدم لازم‌الاجرا بودن توافق‌نامه‌های امضاء شده توسط طرفین اهمیت دارد (مافی و شهلائی، ۱۳۹۶: ۴۴).

1. Zhao, Lynch & Chen

2. Reilly

3. Chereji



بر این اساس میانجی‌گر در واقع یک تسهیل‌کننده است که هدفش نزدیک کردن مواضع متفاوت طرفین به یکدیگر به منظور دستیابی به مصالحه دوستانه است. با این حال، میانجی نمی‌تواند یک راه حل را تحمیل نماید. میانجی مستقل از طرفین عمل می‌کند و نیازی نیست که فرد میانجی لزوماً آموزش حقوقی دیده باشد، بلکه توانایی او به عنوان یک فرد مذاکره‌کننده کفایت می‌کند (مصلحی و صادقی، ۱۳۸۳: ۲۳).

برخلاف الگوی سنتی، در الگوی جدید حل و فصل اختلافات تنها مذاکره در دسته روش‌های غیرحقوقی قرار دارد و میانجی‌گری، سازش و کارشناسی در کنار داوری و طرح دعوی در دادگاه در دسته روش‌های حقوقی قرار دارد. همچنین در حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای بین‌المللی نیز امروزه میانجی‌گری جایگاه خاصی داشته و حتی قادر به ترکیب شدن با سایر روش‌های حل و فصل اختلافات مانند داوری، سازش و... می‌باشد. لذا میانجی‌گری توانسته به‌طور مستقل و به‌طور ترکیبی در حل اختلافات قراردادی نقش مهمی ایفاء نماید (سبحانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۷).

شرط پیشنهادی برای میانجی‌گری برای دیوان داوری ورزش که می‌تواند در یک قرارداد درج شود این است که هر اختلاف، مناقشه یا ادعای به وجود آمده باید به رویه میانجی‌گری ارجاع شود تا بر اساس مقررات میانجی‌گری دیوان داوری ورزش عمل شود. به منظور دادرسی بهتر در جهان ورزش، دیوان داوری ورزش، شیوه‌های دیگری چون میانجی‌گری و مشاوره را نیز در اختیار مخاطبان ورزش قرار داده است. در صورتی که رویه‌های میانجی‌گری و مشاوره قادر به خاتمه دادن به اختلافات نباشند، رویه تعیین دایره ویژه، شکل دیگری از رویه‌های پیشنهادی توسط دیوان داوری ورزش است که می‌تواند اختلافات را خاتمه دهد.

اقدام به میانجی‌گری با یک درخواست کتبی به زبان انگلیسی یا فرانسوی از سوی یکی از طرفین، یا از سوی طرفینی که تمایل دارند برای میانجی‌گری به دیوان داوری ورزشی رجوع کنند، آغاز می‌شود. در رابطه با زبان هم، هر چند اساساً دادرسی به زبان انگلیسی یا فرانسوی انجام می‌شود، ولی در صورتی که طرفین و دیوان، قبول کنند، می‌توان این کار را به هر زبان دیگری نیز انجام داد. درخواست باید دربرگیرنده هویت طرفین و نمایندگان احتمالی آنها، رونوشتی از توافقنامه میانجی‌گری و شرح مختصری از اختلاف باشد. با ارائه درخواست، طرف درخواست‌کننده باید هزینه‌های اداری تعیین شده توسط دفتر دیوان را پرداخت. میانجی‌گری دیوان توافق متقابل طرفین و در غیر این صورت، توسط میانجی تعیین می‌شوند. تمام اقدامات محرمانه هستند. هیچ سند کتبی یا نوع دیگری از اسناد نگهداری نمی‌شوند، مگر اسنادی که مربوط به حل و فصل اختلافات باشند.

طرفین می‌توانند نام نماینده خاصی را مشخص کنند و تمام اختیارات تصمیم‌گیری در خصوص حل و فصل اختلافات را به او واگذار نمایند (مک لارن^۱، ۲۰۰۱: ۴۴).

تقریباً می‌توان گفت که هیچ‌گونه محدودیت خاصی برای ارجاع موضوعات مختلف به دیوان، وجود ندارد. شیوه ارجاع اختلاف به دیوان بدین شکل است که طرفی که می‌خواهد اختلافی را به دیوان، ارجاع دهد باید درخواستی برای حکمیت به دفتر دادگاه دیوان، بفرستد (برای بخش معمولی) یا درخواست رسیدگی استیناف کند (برای بخش استیناف). طرفین می‌توانند شخصاً شرکت کنند یا وکیلی به نمایندگی از آنها در دادگاه حاضر شود. تنها شرطی که بدین منظور باید رعایت شود این است که موضوع مربوط به ورزش باشد. این شرط، موضوعاتی که تا حدی به ورزش مرتبط هستند را نیز در برمی‌گیرد. برای مثال، اگر شخصی با مشتری خود اختلاف پیدا کند و ارتباط مشخصی بین این موضوع و ورزش وجود داشته باشد، پرونده به دیوان، قابل ارجاع است.

۳-۲. حل اختلافات در دیوان از طریق داوری

داوری در لغت به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم است و گفته شده که داور در اصل داور بوده، به معنای صاحب داد که برای آسانی تکلم دال دوم حذف شده است. داور کسی است که درباره موضوعی که به او ارجاع شده قضاوت می‌کند و در مورد اینکه حق با چه کسی است، اظهار نظر می‌نماید. داوری به عنوان روش حل و فصل اختلاف عبارت است از «حل و فصل اختلافات طرفین بر اساس رعایت قانون توسط قضاتی که خود انتخاب کرده اند» (شیروی، ۱۳۹۴: ۸).

داوری دارای ویژگی‌هایی است که در رسیدگی‌های قضایی قابل مشاهده نیست از جمله اینکه در رسیدگی‌های قضایی طرفین اختلاف نقشی در تعیین قضات ندارند، اما در شیوه داوری طرفین می‌توانند داورهای مورد نظر را خود انتخاب کنند و حتی در مورد تعداد داورها توافق کنند. به علاوه شیوه داوری با سرعت بیشتری انجام می‌شود و ممکن است به لحاظ هزینه، نسبت به رسیدگی قضایی مقرون به صرفه تر باشد (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۹۳: ۸۶).

حل و فصل اختلافات ورزشی زمانی از طریق داوری اعمال می‌شود که طرفین توافق کرده باشند که یک اختلاف ورزشی را به دیوان داوری ورزش ارجاع دهند. چنین ارجاعی ممکن است ناشی از یک بند داوری مندرج در یک قرارداد یا مقررات یا به دلیل توافقنامه داوری بعدی (بعد از بروز اختلاف) باشد یا ممکن است متضمن درخواست تجدید نظر علیه تصمیمی باشد که توسط فدراسیون، انجمن یا ارگان مرتبط با ورزش صادر شده است.^۲

1. McLaren

2. <https://www.tas-cas.org/en/arbitration/code-procedural-rules>

مهم‌ترین قانون ماهوی حاکم بر دعوا، قوانین و مقررات سازمان ورزشی است که رأی مربوط را صادر کرده است؛ بنابراین بسیار حائز اهمیت می‌باشد که داوران و طرفین نسبت به مقررات مربوطه شامل اسناد، اساسنامه‌ها، مقررات انضباطی، قواعد صدور مجوز و قوانین ضد دوپینگ تسلط کافی داشته باشند. در زمانی که مقررات غیر واضح، ناکامل و مبهم است، هیات داوران از قانون کشوری که فدراسیون آن پرونده مورد بحث را صادر کرده، استفاده خواهد کرد. با توجه به اینکه تعداد زیادی از فدراسیون‌ها در سوئیس واقع شده‌اند، بیشتر قانون سوئیس به عنوان قانون ماهوی مکمل مورد استفاده قرار گرفته است (وکیل و اسکندری، ۱۳۹۴: ۹).

لزوم رسیدگی سریع، یکی از ضروریات در زمینه اختلافات ورزشی است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، هیات داوری مقدماتی که در حین بازی‌های المپیک به داوری می‌پردازند، ملزم هستند ظرف ۲۴ ساعت پس از درخواست تجدیدنظر، به موضوع رسیدگی و حکم صادر کنند. در واقع، تقاضای تجدیدنظر از آرا در حین بازی‌ها، داوران را وارد یک فرآیند ۲۴ ساعته بسیار فشرده خواهد کرد که طی آن، دادخواست خواهان برای خوانده ارسال شده و افراد ذی‌نفع از پرونده آگاه خواهند شد. سپس طرفین ذی‌نفع برای رسیدگی احضار و در پایان، رأی صادر می‌شود. واضح است برای ورزشکار شرکت‌کننده در مسابقات المپیک، صدور رأی در زمان طولانی بی‌فایده خواهد بود. سرعت صدور رأی در این شعبه‌های موقت، تضمین‌کننده ادامه روند صحیح مسابقات و انجام درست برنامه از پیش تعیین شده خواهد بود. همچنین، برای پرونده‌هایی که توسط قسمت استیناف دادگاه داوری ورزش محدودیت‌های زمانی کوتاهی برای ارائه درخواست‌ها و مجموعه قوانین دادگاه داوری ورزش محدودیت‌های زمانی کوتاهی برای ارائه درخواست‌ها و مراحل رسیدگی در نظر گرفته است (همان: ۱۱). یکی از مهم‌ترین جوانب رویه قضایی دیوان داوری ورزش نه، نتیجه حاصل شده و آرای پرونده‌ها، بلکه الگوی نحوه دخالت داوران در نهادهای ناظر بر ورزش است. با توجه به اختیارات گسترده داده شده به داوران در مقررات دیوان می‌توان به یک الگوی صریحاً محدودکننده و سطح بالایی از اختیار مداخله رسید.

ماده ۵۷ مقررات دیوان داوری ورزشی به داوران اختیاراتی را می‌دهد تا تصمیمات خود را جایگزین سایر مقامات ورزشی کنند و در نتیجه آنها را قادر می‌کند تا قوانین و مقررات یک نهاد ورزشی را محدود کرده و تصمیم خود را بر آنها حاکم کنند. با این حال در عمل داوران تفسیر محدود و مناسب به هدف را نسبت به سیاست‌ها و مقررات ورزشی داشته‌اند و در این راه نه تنها اقتدار نهادهای حاکم بر ورزش را برای تبیین سیاست‌ها و اداره اعمال خودشان به رسمیت شناخته‌اند، بلکه به دنبال تضمین اعمال اصول انصاف و حاکمیت مطلوب نیز بوده‌اند (فیندالی و مازوکو، ۲۰۱۰: ۲).



بحث و نتیجه گیری

با افزایش ابعاد مالی فعالیت‌های مختلف در صنعت ورزش نظیر دستمزدها و پرداخت‌هایی که به ورزشکاران و مربیان صورت می‌گیرد، شاهد شکل‌گیری نوع جدیدی از اختلافات در قالب اختلافات ورزشی هستیم. زورافزایی، اختلافات مالی میان بازیکنان، مربیان، سرپرستان، باشگاه‌ها، تبلیغات، محصولات و قراردادهایی با ارقام نجومی و... سبب توجه جامعه جهانی جهت مدیریت و سازمان‌دهی این بخش از فعالیت‌های انسان شده است. در این میان ورزش فوتبال نسبت به سایر ورزش‌ها دارای طرفداران بیشتری بوده و حواشی و اختلافات مربوط به آن نیز بیشتر است. دستمزد بالای بازیکنان حرفه‌ای و معروفیت و محبوبیت آنها، موجب شده تا صنعت تبلیغات و همچنین خرید باشگاه یا دلالتی نقل و انتقالات زمینه را برای اختلافات مالی ناشی از ورزش فوتبال ایجاد نمایند. اختلافات ورزشی نوعی از اختلافات هستند که ناظر به ورزشی است که در قالب حرفه‌ای انجام می‌شود. اختلافات ورزشی عمدتاً در حوزه محرومیت‌های ورزشکاران و تصمیم‌های انضباطی سازمان‌های ورزشی است که به طور مستقیم در حوزه حقوق ورزش قرار دارد و شامل قواعد حاکم بر ورزش‌ها، سازمان باشگاه‌ها، برقراری انضباط در قلمرو هر رشته ورزشی از جهت وادار ساختن ورزشکاران و دست‌اندرکاران به اطاعت از تصمیمات و رعایت حدود و ثغور فعالیت‌های ورزشی و رعایت شالوده اصول اخلاقی است. اختلافات ورزشی ممکن است در بعد کیفری یا حقوقی (ناشی از مسئولیت مدنی یا نقض تعهدات قراردادی) باشد.

در نظام حقوقی ایران برای حل و فصل اختلافات ورزشی دو شیوه پیش‌بینی شده است که یکی حل اختلاف از طریق مراجع قضایی و دیگری از طریق مراجع شبه قضایی (خود انتظام) صورت می‌گیرد. در خصوص فوتبال با توجه به پیش‌بینی رکن حقوقی در اساسنامه فدراسیون فوتبال و همچنین رأی دیوان عالی کشور، رسیدگی به دعوی در صلاحیت رکن قضایی فدراسیون قرار دارد. گستردگی و در عین حال تخصصی بودن اختلافات ورزشی منجر به آن گردیده تا در عرصه بین‌المللی نیز نهادهایی به منظور حل و فصل اختلافات ورزشی به وجود بیاید. این مراجع شامل کنفدراسیون‌های فوتبال، مرجع حل اختلاف فیفا و دیوان داوری ورزش می‌باشد. بخش عمده‌ای از پرونده‌های مورد بررسی توسط دیوان داوری ورزشی، سه حیطه اصلی هستند که عبارتند از: دوپینگ، اختلافات مربوط به قرارداد، موارد مربوط به ترنسفر. حل اختلاف در دیوان داوری ورزش از دو طریق میانجیگری و داوری انجام می‌پذیرد.

پیشنهادها

- ۱) پیش‌بینی امکان حل و فصل اختلاف در مراجع مورد داوری علاوه بر رکن حقوقی فدراسیون؛
- ۲) پیش‌بینی نهاد ملی داوری برای حل اختلافات ورزشی.

منابع

- جامپون، جونپور؛ والتر، جی. (۱۳۷۶). مبانی حقوق ورزش‌ها، مسئولیت مدنی در ورزش. ترجمه حسین آقایی نیا. دادگستری.
- سبحانی، محمدرضا؛ جعفری، جلال؛ تیموری، جلال. (۱۴۰۰). جرم‌زدایی و قضا‌زدایی در پرتو حل و فصل اختلافات کیفری از طریق میانجیگری: با نگاهی به نقش پلیس. پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ۴(۴)، ۴۷-۶۵.
- http://cr.jrl.police.ir/article_97714.html?lang=fa
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۱). داوری تجاری بین‌المللی. چاپ پنجم. سمت.
- صلح چی، محمدعلی؛ نژندی منش، هیبت‌اله. (۱۳۹۶). حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی. میزان.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. میزان.
- قربان‌زاده، محمد. (۱۴۰۰). بررسی جایگاه داوری اختلافات ورزشی در نظام حقوقی ایران. سومین کنفرانس ملی ارتباطات ورزشی و سواد ارتباطی و سواد رسانه‌ای در ورزش. شیراز.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶) وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش
- کدخدایی، یعقوب. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی حل و فصل اختلافات بازیکنان و باشگاه‌های ورزشی فوتبال. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی].
- مافی، همایون؛ شهلائی، فراز. (۱۳۹۶). چالش‌های تأسیس دیوان ملی داوری ورزش: بررسی تطبیقی با دیوان داوری ورزش. پژوهش حقوق عمومی، ۱۸(۵۴)، ۳۵-۶۰.
- https://aipl.atu.ac.ir/article_7427.html
- مصلحی، حسین‌علی؛ صادقی، محسن. (۱۳۸۳). نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR). نامه مفید، ۷(۴۶)، ۱۵۰-۱۲۳.
- https://law.mofidu.ac.ir/article_239563.html
- میرعباسی، سید باقر؛ سادات میدانی، سید حسین. (۱۳۹۳). دادرسی‌های بین‌المللی. چاپ پنجم. جنگل.
- وکیل، امیر ساعد؛ اسکندری، امیرارسلان. (۱۳۹۴). تشکیل نهاد داوری ملی ورزش در پرتو جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات ورزشی. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۳۵)، ۱۹-۱.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=316376>
- Chereji, C.R. (2013). *Negociere si Mediere in Organizatii publice*, București: Tritonic.
- CHEREJI, C. R., & POP, A. G. (2014). Community mediation. A model for Romania. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 10(41), 56-74.
- <https://rtsa.ro/tras/index.php/tras/article/view/156>
- Healy, D. (2005) *Sport and the Law*, University of New South Wales Press
- Zhao, X., Lynch Jr, J. G., & Chen, Q. (2010). Reconsidering Baron and Kenny: Myths and truths about mediation analysis. *Journal of consumer research*, 37(2), 197-206.
- <https://academic.oup.com/jcr/article-abstract/37/2/197/1813998>
- McLaren, R. H. (2000). The Court of Arbitration for Sport: An Independent Arena for the World's Sports Disputes. *Val. UL Rev.*, 35, 379.
- https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get_pdf.cgi?handle=hein.journals/valur35§ion=15
- Reilly, L. (2012). *Introduction to the Court of Arbitration for Sport (CAS) & the Role of National Courts in International Sports Disputes*. An Symposium
- Findlay, H. A., & Mazzucco, M. F. (2010). Degrees of intervention in sport-specific arbitration: Are we moving towards a universal model of decision-making. *Yearbook on Arbitration and Mediation*, 2.